

توهم دانستن و کتاب‌سوزی مدرن

● تاریخ ایران بارها و بارها شاهد کتاب‌سوزی‌های وحشتناک بوده است. اولین آتش‌بازی با کتاب در حمله‌ی اسکندر به ایران اتفاق افتاد که تمام الواح، سنگ‌نوشته‌ها و چرم‌نوشته‌های آن دوران تخریب و سوزانده شدند. از این دست کتاب‌سوزی‌ها در تاریخ ایران و حتی دنیا فراوان است. همه‌ی ما به هنگام گفت‌وگو درباره‌ی تاریخ ایران، هم به این کتاب‌سوزی‌ها اشاره می‌کنیم و هم تأسف می‌خوریم. اما غافلیم که امروزه هم کتاب‌سوزی به صورت مدرن و هر روزه اتفاق می‌افتد. این کتاب‌سوزی دودی ندارد. شعله‌ای هم برای گرم شدن و حرارتی برای شادی برپاکنندگان آتش آن ندارد. قبل از توسعه‌ی فضاهای مجازی، با تکثیر تصاعدی ناشران، کتاب‌سازی را جایگزین تألیف کردیم و اندیشیدیم، اگر تعداد ناشران بالا برود، تعداد کتاب‌ها هم زیاد می‌شود. اما فکر نکردیم که کتاب خواننده می‌خواهد! خواننده‌ی کتاب را از دست دادیم.

● چرا کتاب نمی‌خوانیم؟

به این دلیل که فکر می‌کنیم می‌دانیم! ملتی که همه چیز بداند و در هر رشته‌ای صاحب‌نظر باشد، نیازی به کتاب خواندن ندارد. مشکل ما توهم دانستگی است. نمی‌دانم چگونه اتفاق افتاد که ما به اینجا رسیدیم! معلوم نیست چطور شد که از دانستن بی‌نیاز شدیم، یا چطور شد که در مورد همه چیز صاحب‌نظر شدیم، اما می‌دانم که راه‌حل ما برای مبارزه با این کتاب‌سوزی نامرئی، رهایی از توهم دانستگی است. هر روز که از خواب بیدار می‌شویم، باید با فکر به نمی‌دانم‌هایمان، ساعتی برای دانستن‌های جدید تعیین کنیم و هرروز که به مدرسه می‌رویم، موظفیم دانش‌آموزان را دچار این توهم نکنیم

معلم
خوب اولین کسی
است که به تو کمک
می‌کند تبدیل به
کسی شوی که احساس
می‌کنی خودت
هستی.

معلم خوب
همچون باغبان مبور
ظرفیت هر جوانه را
می‌بیند و از رشد،
گسترش و شکوفایی
آن لذت می‌برد.

اندیشه‌ی معلمی

الهام فراستی

معلم
خوب بودن به این
معنی است که عاشق
چیزی باشی که
درس می‌دهی و عاشق
کسی باشی که به او
می‌آموزی.





تصویرگر، ظهیرالدین آقاخانی

و برعکس واقعیت ندانستن را به آن‌ها گوشزد کنیم. کتابخانه‌ی مدرسه باید از شلوغ‌ترین مکان‌های مدرسه باشد. بچه‌ها را تشویق کنیم به خواندن و خودمان همیشه کتابی برای خواندن در دست داشته باشیم.

از روزی بیست دقیقه آغاز کنیم. خواندن ده صفحه کتاب در روز وقت زیادی از ما نخواهد برد. اما در پایان هر سال ۳۶۵ صفحه کتاب خوانده‌ایم. یعنی معادل ده کتاب ۳۶۵ صفحه‌ای و معادل ۳۶ کتاب صد صفحه‌ای.

فقط با روزی ده صفحه کتاب که تقریباً بیست تا سی دقیقه از وقت ما را خواهد گرفت، به جنگ کتاب‌سوزی نامرئی و بزرگی که کشور ما را فراگرفته است، خواهیم رفت. از همین حالا شروع کنیم. ■

تجربه،
معلم سختی
است، چراکه اول
امتحان می‌گیرد
و بعد درس
می‌دهد.

معلم
خوب اولین کسی
است که چیزی را
می‌گوید که تو تا
۱۰ سال دیگر
نخواهی فهمیدی.



معلم
خوب مثل یک
میزبان خوب است. اول
توجه مخاطب را به خود
جلب می‌کند و سپس
درس می‌دهد.

